



کارودانشی با رویکرده کارآفرینی و اشتغال

مؤلف :

فرزانه سوری

انتشارات ارسطو

(چاپ و نشر ایران)

۱۳۹۹

تقدیم به :

ماحصل آموخته‌هایم را تقدیم
می‌کنم به دختر عزیزم و
همسر مهربان و فداکارم که
در تمام مراحل زندگی مسیر
را برایم هموار ساختند به پاس
تمام زحماتشان سر تعظیم
فرود می‌آورم و سپاسگزارم.

فهرست مطالب

پیشگفتار

فصل اول

مقدمه

ضرورت آموزش و بالندگی نیروی انسانی

تاریخچه آموزش های فنی و حرفه ای در جهان و ایران

آموزش فنی و حرفه ای

واژه شناسی آموزش فنی و حرفه ای

مهارت

سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور (TVTO)

کارآفرینی، تعریف و اهداف آن

مبانی تئوریک آموزش های فنی و حرفه ای

فصل دوم

ضرورتها و الزامات آموزش مهارت‌های فنی و حرفه ای
نقش آموزش‌های فنی و حرفه ای در تربیت نیروی
انسانی

علم، فناوری و اشتغال

تاثیر مهارت در اشتغال

رابطه آموزش‌های فنی و حرفه ای و اشتغال

چالش‌های آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در ایران
(درون‌نهادی و برون‌نهادی)

آموزش زنان و اشتغال

منابع

منابع خارجی

پیشگفتار

یکی از ویژگی‌های مهم هر نظام اقتصادی در هم تنیدگی ساختارهای آموزش و اشتغال است، به عبارتی ارتباط ارگانیک کار و آموزش همواره در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و اجتماعی همزمان با یکدیگر در نظر بوده است در واقع، هر آموزشی باید بازدهی یا توجیه اقتصادی داشته باشد که عالی‌ترین نوع آن ایجاد اشتغال متناسب با فراگیر است. بروز پدیده جهانی شدن در روند اقتصاد، افزایش رقابت‌های بین‌المللی و تحولات ناشی از توسعه و پراکندگی‌های جغرافیایی در بازار کار اهمیت نیاز به

استراتژی سیستم آموزش را افزایش می‌بخشد. اکثر کشورها در اصلاحات سیستم آموزشی خود نسبت به گسترش آموزش‌های عمومی و دانشگاهی تمایل بیشتری نشان می‌دهند در حالی که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در این مقایسه جایگاه چندان با اهمیتی ندارند. بعلاوه در اکثر کشورها آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بخشی از سیستم آموزش متوسطه و یا دانشکده‌هایی که فارغ‌التحصیلان آن بنا بر نوع تقاضای جامعه به دانشگاه راه می‌یابند، محسوب می‌شود. ارزشیابی از این سیستم نشان می‌دهد که کارفرمایان از کیفیت این گونه آموزش‌ها راضی نیستند و غالباً از کیفیت ناچیز آموزش و فقدان مهارت‌های کاربردی کارآموزان و عدم تناسب محتوای آموزشی رضایت ندارند. ماهیت عصر حاضر یعنی، شرایط و چگونگی عملکرد بازار کار و ظهور

اقتصاد دانش-محور، توجه به منابع انسانی توانمند، دارای مهارت‌های فنی و حرفه‌ای را ضروری ساخته است (مهرعلی زاده و نائلی ۱۳۸۱).

تربیت نیروی انسانی مورد نیاز جوامع در قالب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم مورد توجه بسیاری از کشورهای جهان قرار گرفت. در پی پیشرفت‌های علمی و صنعتی پس از جنگ جهانی دوم آموزش‌ها به طور بی سابقه‌ای گسترش یافت، تا آنجا که توسعه برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای، از اهداف ملی بیشتر کشورها قرار گرفت و امروزه یکی از شاخص‌های موفقیت هر کشوری، توسعه آن در سه بخش صنعت، کشاورزی و خدمات محسوب می‌شود. توسعه این سه بخش نیازمند تربیت نیروی

انسانی ماهر و کارآمد در زمینه‌های فنی و حرفه‌ای متناسب با بازار کار است (نویدی و همکاران ۱۳۸۲).

از مهمترین نیازها برای پیشرفت یک کشور، توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای می‌باشد زیرا نیروی انسانی کار آزموده یکی از عوامل تعیین کننده در رشد و توسعه کشورها محسوب می‌شود. تشخیص کیفیت دوره‌های آموزشی و کارآموزی این مراکز از نظر کارایی درونی و برونی به عنوان اولین گام برای کلیه ی دست اندرکاران، سیاست گذاران و برنامه ریزان نظام آموزش فنی و حرفه‌ای و تربیت نیروی انسانی حائز اهمیت است (مشایخ ۱۳۸۶) بدون شک بدون در نظر گرفتن احتیاجات جامعه، تاسیس مراکز فنی و حرفه‌ای دردی را دوا نمی‌کند، نکته اساسی این است که برنامه‌های

تربیتی حرفه‌ای باید به موازت برنامه تربیت عمومی در دبیرستان‌ها گنجانده شود، و همچنین برنامه حرفه‌ای مانند برنامه عالی علمی باید اختیاری باشد (شریعتمداری ۱۳۸۸).

آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نقش مهمی در تشکیل سرمایه انسانی از طریق تربیت نیروهای ماهر مورد نیاز بازار کار در کشورهای مختلف جهان ایفا می‌کنند. این آموزشها در کشورهای در حال توسعه نه تنها عهده دار تربیت نیروی کار مورد نیاز بخشهای مختلف اقتصاد این کشورها می‌باشند، بلکه از طریق بستر سازی خود اشتغالی، به حل مشکل بیکاری نیز کمک می‌نمایند. به علاوه، این آموزشها راه میان بری در مسیر تربیت نیروی انسانی نیز به شمار می‌روند (پراوین و یزاریا ۲۰۰۳).

هیستریچ و پیترز (۲۰۰۲) اهداف کارآفرینی را از دیدگاه شرکت کنندگان بررسی کردند. ویژگی‌هایی که شرکت کنندگان تاکید داشتند در این دوره‌ها گنجانده شود بیشتر عملی و برپایه‌ی احتمال موفقیت افراد جهت گیری شده بود. برخی دیگر از اهداف اصلی یادگیری کارآفرینی دانشجویان شامل توسعه‌ی شناخت نقاط ضعف و قوت انواع کسب و کار به همراه فرصت‌هایی برای ارزیابی مهارت‌های لازم به منظور راه اندازی و اداره کسب و کار در خود فرد بود. علاوه براین آگاهی و اطلاع از اصول بازاریابی تامین مالی، برنامه ریزی، سازماندهی، خلاقیت و کسب منابع بیشتر ذکر شده بودند

کارآفرینی بعنوان نمادی از تلاش و موفقیت در امور تجاری است و کارآفرینان در بهره‌مندی

از نیروی کار و فرصت‌ها در نوآوری‌ها و راه‌های افزایش اشتغال توانمندی خاصی دارند.

کارآفرینان که از نظر رهبری ایجاد اشتغال و بهره‌وری از شرایط موجود و نیروی کار و حرفه و..... سهم مهمی در رشد اقتصادی و تجاری و ایجاد اشتغال دارند

کارآفرین فردی است دارای ایده و فکر جدید که بواسطه آن از طریق ایجاد کسب و کار، خانگی، شخصی، اینترنتی و... و با استفاده از منابع و حرفه آموزی و جذب نیروی خلاق و کسب ایده از افراد موفق با در نظر گرفتن محدودیت‌های قلمرو زمانی و مکانی و اقتصادی به ایجاد یک طرح تحقیقی می‌رسد که از آن بعنوان راه کاری برای افزایش و ایجاد اشتغال استفاده می‌شود (احمدپور ۱۳۷۹)

صفحه ۱۵۰). کارآفرین، نیروی محرکه و موتور توسعه اقتصادی می‌باشد. وی مشخصه کارآفرین را نوآوری می‌داند. به گفته وی فرایند کارآفرینی همان تخریب خلاق است یکی از ویژگی تعیین کننده در کارآفرینی همانا انجام کار جدید و ابداع روش نوین در انجام کارهای جاری است. کارآفرینان در راس کسب و کارند در جستجوی فرصت هستند و به دنبال ابزار جدید خلاقیت می‌گردند کارآفرینی تغییر پدیده معمولی است و به عنوان فرصت به آن نگاه می‌کنن و باعث پیشرفت مادی می‌شوند. در تحقیق فوق با الهام گرفتن از مفاهیم کارآفرینی به تاثیر مهارت آموزی دانش آموزان در ایجاد اشتغال و کارآفرینی پرداخته ایم امید است که مثمر ثمر واقع گردد

تحوّلات ناشی از انقلاب صنعتی، نقش دیرین آموزش و پرورش را به کلی دگرگون ساخت، به گونه‌ای که در برنامه‌ها، محتوای درسی و روش‌های تعلیم و تربیت تغییرات اساسی ایجاد کرد، که یکی از مهم‌ترین آن‌ها توسعه‌ی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای می‌باشد.

تربیت نیروی انسانی مورد نیاز جوامع در قالب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم مورد توجه بسیاری از کشورهای جهان قرار گرفت. در پی پیشرفت‌های علمی و صنعتی پس از جنگ جهانی دوم، این آموزش‌ها به نحو بی‌سابقه‌ای در جهان گسترش یافت تا آن‌جا که امروز آموزش‌های فنی و حرفه‌ای وزارت کار و امور اجتماعی پس از آموزش و پرورش، در بسیاری

از کشورها خصوصاً جوامع صنعتی در جهت پاسخ
گویی هر چه بیشتر به نیازهای اقتصادی و اجتماعی
در حرکت می‌باشد.

از آن جا که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای،
فعالیت‌هایی هستند که فرد را برای احراز شغل،
حرفه و کسب و کار آماده می‌کنند و یا کارایی و
توانایی او را در انجام آن‌ها افزایش می‌دهند، لکن
عدم وجود پل‌های ارتباطی بین مراکز آموزشی
و مراکز صنعتی جامعه باعث می‌شود که مراکز
آموزشی به تربیت نیروهای بی‌پروژه‌ای بپردازد که چندان مورد
نیاز بخش‌های تولیدی جامعه نباشد. از سویی دیگر
عدم سازماندهی و تقسیم کار درست، یعنی عدم
به‌کارگیری صحیح و متناسب با تخصص کارکنان
در کارگاه‌های مختلف، اغلب باعث می‌گردد که به

رغم تربیت درست نیروها، جامعه نتواند از نیروهای مختلف به خوبی استفاده کند. در مجموع می‌توان گفت که میان آموزش دیدگان مراکز آموزشی فنی و حرفه‌ای و بازار و اشتغال، رابطه‌ی هدفمندی وجود ندارد و نظام آموزشی فنی و حرفه‌ای عملاً وظیفه نمی‌داند که آینده‌ی شغلی آموزش‌گیران خود را مورد ملاحظه قرار دهد

نظر به این که برنامه‌ریزی جهت اجرای مناسب برنامه‌های مربوط به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، به آگاهی از وضعیت موجود وابسته است، این پژوهش تلاشی برای ارائه‌ی تصویر روشن از وضعیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و نقش آن‌ها در توسعه‌ی خوداشتغالی، است.

به نظر می‌رسد که هر انسان برای گذران زندگی

و انجام هزینه‌های خود به حداقل درآمد نیاز دارد دورانی که انسان با حداقل درآمد زندگی نکرد سپری شده است دانش آموزان رشته نظری پس از فارغ التحصیلی تازه باید به دنبال کسب مهارت رفته و یا حداقل پس از ۴ سال گذراندن دوره‌های دانشگاهی و اخذ مدرک بتوانند در جایی مشغول کار شوند حال اینکه کارورشته مورد دلخواه را پیدا کنند یا نه؟

اما دانش آموزان فارغ التحصیل در رشته کار و دانش در حالیکه پس از اتمام مرحله هنرستان و اخذ دیپلم دارای مهارت تخصصی خواص و مورد علاقه بوده و با همان مدرک می‌توانند وارد بازار کار شوند و برای خود شغل ایجاد کنند در صورت حمایت می‌توانند باعث افزایش و ایجاد کارآفرینی در جامعه شوند

نیروی کار یکی از مهم ترین عوامل تولید هر جامعه است. در حال حاضر نیروی انسانی متخصص به عنوان یکی از مهم ترین منابع اصلی تأمین رشد اقتصادی کشورها به شمار می‌رود. بنابراین، لازم است تربیت نیروی انسانی متخصص و کار آمد (تولید نیروی انسانی) و استفاده بهینه از آن در مرکز توجه برنامه ریزان قرار گیرد. لیکن امروزه رشد فزاینده حجم نیروی کار، فقدان ارتباط کافی و عدم هماهنگی بین نظام آموزش و بازار کار، عدم تناسب رشد اقتصادی و ظرفیت‌های اشتغال زایی جامعه با رشد دانش آموختگان، افزایش نرخ مشارکت نیروی کار در جامعه به خصوص در بین زنان، فقدان مهارت‌های مورد نیاز بازار کار از سوی فارغ التحصیلان و نیز فقدان اطلاعات مورد نیاز بازار کار باعث شد تا موضوع اشتغال از مهم ترین

دغدغه‌های سیاست‌گزاران جوامع در حال توسعه از جمله ایران به شمار آید.

از آنجایی که یکی از دلایل بیکاری در کشور، فقدان مهارت‌های مورد نیاز بازار کار از سوی جویندگان کار است، انتظار می‌رود سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور که بر اساس ماده ۱۰۷ و ۱۰۸ قانون کار، متولی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای غیررسمی / کوتاه مدت (آموزش‌های مهارتی) در بخش‌های صنعت، خدمات و کشاورزی می‌باشد، بتواند نقش بسزایی را در کاهش نرخ بیکاری ایفا کند.

آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نقش مهمی در تشکیل سرمایه انسانی از طریق تربیت نیروهای ماهر موردنیاز بازار کار در کشورهای مختلف

جهان ایفا می‌کنند. این آموزش‌ها در کشورهای در حال توسعه نه تنها عهده دار تربیت نیروی کار مورد نیاز بخش‌های مختلف اقتصاد این کشورها هستند، بلکه از طریق بسترسازی خوداشتغالی، به حل مشکل بیکاری نیز کمک می‌کنند. به علاوه، این آموزش‌ها راه میان‌بری در مسیر تربیت نیروی انسانی نیز به شمار می‌روند؛ چرا که از یک سو با توجه به بهره‌مندی این آموزش‌ها از مبانی علمی و استفاده از روش‌های پذیرفته شده آموزش‌های کلاسیک راه خود را از یادگیری بر مبنای تجربه عملی صرف جدا کرده و از این طریق راه درازمدت و غیر علمی این نوع فراگیری را کوتاه کرده و این توانایی را در آموزش دیده فراهم می‌کنند تا بتواند خود را در مقابل تغییرات فناوری به آسانی هماهنگ نماید. از سوی دیگر، این آموزش‌ها با همراه کردن

آموزش‌های نظری و عملی این امکان را برای آموزش دیده فراهم می‌کنند که همسویی بیشتری با نیازهای بازار کار داشته و از این طریق امکان بیشتری برای جذب آنها در فعالیتهای اقتصادی- اجتماعی فراهم شود.

این آموزش‌ها همچنین از مزیت بازدهی در کوتاه مدت و یا میان مدت برخوردار هستند. در حالی که آموزش‌های کلاسیک به دلیل هزینه بالا، طولانی بودن دوره آموزش، سهم زیاد آموزش‌های نظری در آنها و در نتیجه بهره مندی اندک از عملیات کارگاهی، از جهت هماهنگی با نیازهای بازار کار و جذب در آن دچار مشکل می‌باشند. به همین دلیل کشورهای جهان توجه روزافزونی را به آموزش‌های فنی و حرفه ای مبذول داشته اند، به طوری که

این آموزش‌ها حتی به درون سیستم آموزش‌های آکادمیک این کشورها نیز نفوذ کرده است (پراوین و یزاریا ۲۰۰۳).

مزیت‌هایی که برای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مورد اشاره قرار گرفت، منوط به وجود برخی شرایط در ارائه این آموزش‌هاست که از آن جمله می‌توان به ضرورت برنامه‌ریزی مدون برای این آموزش‌ها، برخورداری از امکانات و تجهیزات کارگاهی مناسب، انتخاب کارآموزان بر اساس توانایی‌های عمومی و انگیزه‌های قوی، استفاده از مربیان مجرب و علاقه‌مند، سهم مناسب آموزش‌های عملی و نظری در این دوره‌ها و طراحی زمان مناسب برای هر یک از دوره‌ها اشاره کرد.

از آن جا که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، فعالیت

هایی هستند که فرد را برای احراز شغل، حرفه و کسب و کار آماده می‌کنند و یا کارایی و توانایی او را در انجام آنها افزایش می‌دهند، لکن عدم وجود پل‌های ارتباطی بین مراکز آموزشی و مراکز صنعتی جامعه باعث می‌شود که مراکز آموزشی به تربیت نیروهایی بپردازد که چندان مورد نیاز بخش‌های تولیدی جامعه نباشد.

از منظر نظریه سرمایه انسانی، آموزش عمومی موجد سرمایه عمومی و آموزش فنی و حرفه‌ای موجد سرمایه اختصاصی است، مزیت سرمایه دوم این است که به اتکای مهارت‌های کسب شده دارندگان آن را برای به دست آوردن جایگاه‌های شغلی بیشتر آماده می‌سازد و همین بینش باعث شده است که در بیشتر کشورهای جهان حتی در

سیستم‌های تعلیم و تربیت آن‌ها از دیر باز در کنار مقاطع تحصیلی آموزش‌های عمومی، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نیز مورد نظر واقع شوند. بر اساس توصیهٔ یونسکو، همهٔ کشورها نیازمند به یک خط مشی منسجم آموزشی هستند، به نحوی که در آن آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به عنوان یک بخش اساسی از این سیستم یکپارچه دیده شده باشند (یونسکو ۱۹۹۹).

دغدغهٔ ایجاد اشتغال و کاهش بیکاری از جمله مسائل مهم در تمامی کشورهای جهان است. نرخ بالای بیکاری در کشورهای در حال توسعه به علت عدم توازن بین ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی از موضوعیت بیشتری برخوردار است. طرح راهبردی مشاغل خانگی مؤید اهمیت

استفاده از تمامی فرصت‌ها و پتانسیل‌های اشتغال
زایی موجود در جامعه است. توجه به راهکارهای
جدید که در عین سادگی در تعارض با فرهنگ غالب
جامعه نباشد و در عین حال انعطاف لازم در جهت
رفع چالش‌های موجود را داشته باشد، ضروری به
نظر می‌رسد و حتی در بیشتر کشورهای دنیا توجه
به بنگاه‌های اقتصادی کوچک زود بازده به عنوان
یک ضرورت پذیرفته شده است. بر اساس تحقیقاتی
که توسط سازمان دیدبانی جهانی کارآفرینی در سال
۲۰۰۳ میلادی با در نظر گرفتن ۲۳ کشور جهان
صورت گرفته، توسعه کسب و کارهای کوچک و
متوسط منجر به کاهش نرخ بیکاری می‌شود.

از طرفی با توجه به توسعه سهم زنان در اقتصاد
ملی و مقابله با بحران بیکاری زنان ضروری است

شرایط لازم برای توسعه و کارآفرینی زنان فراهم شود تا زنان با ایجاد کسب و کار و فرصت‌های شغلی برای خود و دیگران بتوانند معضل کنونی جامعه را پایان بخشند.

فصل اول

مقدمه

پیشرفت و موفقیت در مشاغل اختصاصی و حساس به طور قابل توجهی به نگرش افراد، توانایی و از همه مهمتر مهارت‌های مربوط بستگی دارد. وجود رابطه متقابل میان دو موضوع مورد بحث، یعنی آموزش و اشتغال، از جنبه‌های گوناگون قابل طرح و بررسی است. هرچند طرح مسئله فوق در جوامع مختلف و در شرایط اجتماعی اقتصادی خاص در هر نظام اقتصادی از زوایای گوناگون، قابل ارزیابی است لیکن ماهیت موضوع دارای نقاط مشترک و فصل مشترک‌های متعددی است. اگر آموزش را مترداف با سرمایه گذاری در نیروی انسانی در نظر

داشته باشیم می‌توان ارتباط مستقیم و مثبت میان توسعه اقتصادی و به کارگیری مهارت و تخصص نیروی انسانی را به عنوان یکی از مهمترین عوامل تولید تأیید نمود. بر این اساس که سرمایه گذاری از نیروی انسانی، افزایش بهره‌وری عوامل تولید، اعم از نیروی انسانی (کار) و سرمایه را به دلیل ارتباط متقابل میان این دو به همراه خواهد داشت. اصولاً بحث آموزش و اشتغال به نوعی با برنامه ریزی انسانی ارتباط دارد. که این برنامه ریزی می‌تواند در مقاطع لازم بین کار و کارگر ناشی از همین مهارت‌ها و میزان آموزش افراد می‌باشد. در جهان معاصر موفقیت از آن افراد و یا جوامعی است که مولد و تولید کننده اند نه مصرف کننده؛ و مهارت آموختگان افرادی هستند که می‌توانند جامعه خود را به اوج پیشرفت برسانند و افتخاراتی را نصیب آن

کنند. نقطه پیوند آموزش، اشتغال و رشد اقتصادی ظرفیت بالقوه و بالفعل اقتصاد کشور در جذب نیروی انسانی بالقوه موجود در بازار کار کشور است. به عبارت دیگر ارتباط بین آموزش و اشتغال از دیدگاه مثبت هنگامی پدیدار می‌شود که ساختار اقتصادی کشور توان جذب نیروی انسانی ماهر و متخصص را در زمینه‌های گوناگون مختلف کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت فراهم آورد.

سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی را می‌توان به سرمایه‌گذاری در ایجاد مهارت‌ها، تخصص‌ها، خلاقیت‌ها و یا سرمایه‌گذاری در جهت افزایش توانایی فردی و سلامت فیزیکی طبقه بندی کرد. اما آنچه ارتباط میان سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی و رشد اقتصادی را برقرار می‌نماید ایجاد اشتغال

مناسب با آموزش نیروی انسانی است. با نگاهی به تحول تمدن بشر مشخص می‌شود که نیروی انسانی مهمترین عنصر یک سازمان محسوب می‌گردد و نقش آن در فرآیند تولید و ارائه خدمات در جوامع بشری به عنوان مهمترین عامل شناخته شده است. امروزه بخش‌های مختلف صنعتی و بازرگانی در راستای فعالیتهای خود توجه زیادی به کیفیت و کارایی نیروی انسانی به دلیل آثار و نتایج سودمند آن دارند. شایان ذکر است نظام آموزشی مهارتی یکی از عمده ترین منابع آموزشی و تامین نیروی انسانی برای فعالیتهای بخش صنایع است. می‌توان گفت یادگیری یکی از مهمترین فرضیه‌ها در روان‌شناسی امروز است که در تعریف آن گفته می‌شود یادگیری عبارتست از تغییرات نسبتاً